



جدال بزرگ زنان و شجاعتی که این روزها در جامعه تکثیر می شود

بیکار زنان علیه تبعیض و نابرابری و بی حقوقی اعمال شده بر آنان، کشاکشی به درازای عمر رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران است. جمهوری اسلامی از همان روزهای نخست به قدرت رسیدن، اعمال سیاست سرکوب و بی حقوقی مطلق زنان را در دستور کار خود قرار داد. تحمیل حجاب اجباری نقطه آغازی برای تحمیل دیگر نابرابری ها و تبعیضات جنسیتی رژیم علیه زنان بود که طی ۴۴ سال گذشته قدم به قدم و بی وقفه بر تمام شئون زندگی آنان اعمال شده است. با این همه و به رغم بکارگیری سرکوب عریان، زنان اما سکوت نکردند، با ارباب و تهدید راهی پستوی خانه ها نشدند. آنان، با هر تعرض و بی حقوقی تا حد امکان به مقابله برخاستند. سیاست های سرکوبگرانه جمهوری اسلامی را به چالش گرفتند. به اشکال مختلف در مقابل اراده هیات حاکمه برای تحمیل نابرابری و دیگر تبعیضات جنسیتی ایستادند و به آسانی تسلیم سیاست های تحمیلی رژیم نشدند.

این بیکار نابرابر از همان فردای حاکمیت جمهوری اسلامی شروع شد و در ۱۷ اسفند ۱۳۵۷ با عزمی پولادین در مخالفت با فرمان حجاب اجباری خمینی به چالش بزرگ و آشتی ناپذیر زنان با جمهوری اسلامی تبدیل شد. کشاکشی که به رغم فراز و فرودهای بسیار هرگز متوقف نشد، از حرکت و پویایی باز ناپستاد و متناسب با شرایط جامعه به اشکال مختلف بروز کرد، بر تجربیات خود افزود و بر روند مبارزاتی خود غنا بخشید. جدال و مقاومتی که اکنون بیش از هر زمان دیگری در متن جامعه به طور علنی اعلام موجودیت کرده است. در یک سوی این کشاکش و جدال نابرابر، جمهوری اسلامی با همه دستگاه های سرکوب و تبلیغاتی اش ایستاده است تا بردگی زنان را استمرار بخشد و در سوی دیگر آن، زنانی ایستاده اند که این روزها برای برخورداری از حق آزادی انتخاب پوشش و گسستن تمامی زنجیرهای بردگی تنیده بر جسم و جان شان به طرز شگفت انگیزی قد بر کشیده اند.

از نیمه دوم تیر ماه ۱۴۰۱ که جمهوری اسلامی با سازماندهی "قارگاه ۲۱ تیر"، اجرای طرح سوخته " عفاف و حجاب" را در پیش گرفت، اذیت و آزار زنان به طرز فزاینده ای افزایش یافت. پیشبرد این سیاست سرکوبگرانه جمهوری

در صفحه ۲

بازنشستگان و هیاهوی مجلس برای هیچ



بعد از انتشار نامه ۲۹ تیر قالیباف به ابراهیم رئیسی پیرامون "مغایرت قانونی" مصوبه کابینه در مورد تعیین میزان مستمری و کمک هزینه مسکن بازنشستگان، سروصدا و تبلیغات فراوانی به‌ویژه از سوی تشکیلات خانه کارگر و تشکل‌های بازنشستگی وابسته به این جریان که همگی دست‌ساز دولت هستند، به راه افتاد. جنجال و تبلیغ در مورد "ابطال" مصوبه ۱۰ درصدی افزایش حقوق بازنشستگان و "نهایی شدن" افزایش ۳۸ درصدی حقوق سایر سطوح که در

در صفحه ۴

نتایج اجلاس "سران دولت‌های نشست آستانه" در تهران

۲۸ تیرماه اجلاس سران دولت‌های نشست آستانه در تهران برگزار شد. این اجلاس در ظاهر برای حل‌وفصل نزاع بر سر سوریه در ادامه نشست‌های پیشین میان روسیه، ترکیه و جمهوری اسلامی ایران برگزار شد، اما بیش از آنکه اجلاسی برای گفتگو و توافق بر سر بحران سوریه باشد، به دیدارها و توافقات دوجانبه میان سران این دولت‌ها تبدیل گردید و درواقع به نوعی نمایش قدرت‌نمایی سیاسی تبدیل شد که به‌ویژه روسیه و جمهوری اسلامی ایران در اوضاع سیاسی بحرانی منطقه و جهان به آن نیاز داشتند.

بر سر سوریه نه‌فقط هیچ توافقی صورت نگرفت، بلکه برعکس، این اجلاس، اختلافات را تشدید کرد.

بنابراین، بیانه مشترک پایانی پیرامون این مسئله نیز جز یک‌مشت مواضع ضدونقیض که بازتاب اختلافات عمیق بود، چیز دیگری نبود.

در صفحه ۱۰

عمیق‌تر شدن بحران اقتصادی و نیاز به یک راه حل ریشه‌ای

در بحران‌های کلاسیک اقتصاد سرمایه‌داری، با بحران اضافه تولید و سپس ورشکستگی گروهی از سرمایه‌داران، افزایش بیکاری و البته کاهش بهای کالاها روبرو هستیم. به‌عبارت دیگر نرخ تورم در بحران‌های کلاسیک سرمایه‌داری یا بسیار پایین است و یا حتی منفی.

در بحران سال ۲۰۰۷ نیز دیدیم که با وارد شدن کشورهای بزرگ سرمایه‌داری به دوران رکود، نرخ تورم بسیار پایین و حتی در مواردی منفی بود. این موضوع باعث شد تا بانک‌های مرکزی این کشورها نرخ بهره بانکی را کاهش و حتی به صفر برسانند. البته در پی جنگ دولت‌های روسیه و اوکراین که به‌نوعی جنگ امپریالیسم روس با رقبای امپریالیست آمریکا و اروپای غربی است شاهد بحران رکود - تورمی در این کشورها هستیم به‌نحوی که هم اکنون در برخی از این کشورها تورم به بالای ۱۰ درصد رسیده است. اما در عین‌حال به رغم افزایش نرخ تورم،

در صفحه ۶

از خواستها و مبارزات کارگران فولاد اهواز حمایت کنیم

در صفحه ۹

رضا شهابی و دیگر کارگران و معلمان بازداشت شده باید فوراً آزاد شوند

در صفحه ۳

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

جدال بزرگ زنان و شجاعتی که این روزها در جامعه تکثیر می شود

اسلامی در این بازه زمانی، در ۲۰ تیرماه سال جاری با دستگیری تعدادی از مادران دادخواه آبان ۹۸ آغاز شد. مادران دادخواهی که علاوه بر ایستادگی بر دادخواهی فرزندان جانباز شده شان، هم اینک با مبارزات زنان برای تحقق حق آزادی انتخاب پوشش نیز همگام شده اند. همزمان با دستگیری مادران دادخواه، گشت زنی نیروهای ارشاد برای بازداشت و مقابله با زنان و دختران "بد حجاب" نیز شتاب گرفت. علاوه بر گشت ارشاد، زنان و مردان حزب اللهی نیز به پشتوانه نیروهای سرکوبگر رژیم در خیابان و اتوبوس و مترو با زنانی که به زعم آنان از پوشش شرعی برخوردار نیستند، درگیر می شوند و با زنگ زدن به نهادهای سرکوب رژیم، زمینه های تعرض و دستگیری آنان را فراهم می کنند.

آنچه اکنون تحت عنوان مبارزه با "بدحجابی" یا "بی حجابی" در سطح خیابان ها و متن جامعه جاریست، اعمال همان شیوه های سرکوبگرانه گذشته است که این روزها با حدت بیشتری بر سر زنان آوار شده است. سیاستی که طی ۴۴ سال گذشته مدام تکرار شده و هر بار هم در پی مقاومت قهرمانانه زنان به شکست و ناکامی رژیم منجر شده است. اینبار اما مقاومت زنان در نفی حجاب اجباری و تحقق مطالبه "حق آزادی انتخاب پوشش" در قد و قواره ای کاملاً متفاوت با گذشته در جامعه شکل گرفته است. اینبار جمهوری اسلامی با زنان و دخترانی مواجه است که برای نه گفتن به "حجاب اجباری" آشکارا حجاب از سر بر می گیرند، در خیابان ها و معابر عمومی بدون روسری و بعضاً بدون مانتو ظاهر می شوند، در مقابل گشت ارشاد می ایستند، بازداشت و زندان را به جان می خرند، تذکرات زنان و مردان حزب اللهی را نادیده می گیرند، از تهدیدهای امنیتی نمی هراسند و آشکارا بذر تهور و بی باکی را در زمین مبارزاتی زنان ایران می پاشند و بدین سان رویش شجاعت را در جای جای ایران تکثیر می کنند. تصاویری که طی روزهای گذشته در فضای مجازی دست به دست شده اند، جملگی گواه روشنی بر رویش شجاعت در زمین کارزار مبارزاتی زنان علیه تبعیض و بی حقوقی و نابرابری است که این روزها به طور سمبلیک در شعار "حجاب بی حجاب" تجلی یافته است.

در یکی از ویدئوهای پخش شده، تصاویری از جدال و بگومگو لفظی یک زن چادری و همسرش با سه دختر جوان به اصطلاح "بی حجاب" به نمایش در آمده است. در این ویدئو بعد از اینکه دختران بی حجاب نسبت به دخالت "بی جای" زن چادری و همسرش واکنش نشان می دهند، زن چادری در مقابل دوربین با پلیس تماس می گیرد و "گزارش" واقعه و آدرس محل را به مامور آنسوی تلفن می دهد. آدرس اما غلط گفته می شود و دختر جوان "بی حجاب"، بدون ترس از آمدن پلیس، آدرس درست محل را به زن چادری اعلام می کند.

ماجرای "سپیده رشنو" در درون اتوبوس شهری و ویدئوی پخش شده از صحنه های درگیری یک زن جوان چادری با زنان "بدحجاب" نشسته در

اتوبوس، تصویر روشنتری از رویش مقاومت و شجاعت را در متن جامعه به نمایش می گذارد. در این ویدئو نشان داده می شود که یک زن جوان چادری حزب اللهی مشغول مجادله و بحث تند با برخی از زنان داخل اتوبوس است. زن چادری حزب اللهی تذکر حجاب داده است و بی توجهی به این تذکر، او را سخت بر آشوبانده است. در پی بروز خشم و برآشفنگی حاصل از این بی توجهی زنان به اصطلاح "بی حجاب" نسبت به تذکر حجاب، زن چادری با تهدید به بازداشت "سپیده رشنو" که تذکر او را نادیده گرفته است، مشغول فیلمبرداری از او و دیگران می شود. در ادامه این تعرض و قیحانه زن حزب اللهی، مسافران به صورت جمعی به حمایت از "سپیده رشنو" بر می آیند و زن آزارگر حزب اللهی را از اتوبوس بیرون می کنند. غروب همان روز (۲۵ تیر) اما خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران از بازداشت "سپیده رشنو" خبر داد.

در کنار انبوه تصاویری که این روزها از مقاومت زنان و "کشف حجاب" آنان در خیابان و معابر عمومی به نمایش در آمده اند، ویدئوهای دلخراشی هم در شبکه های مجازی دست به دست می شوند که درندگی ماموران پلیس و گشت ارشاد را نشان می دهند. مامورانی که به دنبال اجرای طرح "عفاف و حجاب"، زنان و دختران به اصطلاح "بدحجاب" را با تعرض و خشونت تمام به درون ون و ماشین پلیس پرت می کنند. در یکی از این ویدئوها، مادری مضطرب با قرار گرفتن در جلوی ماشین ون گشت ارشاد به التماس فریاد می زند، "دخترم بیمار است"، او را نبرید. ماموران سرکوبگر جمهوری اسلامی اما بی توجه به وحشت فزاینده این مادر که نگران دختر بیمارش است، او را از جلوی ون پس می زنند و دختر بیمارش را با خود می برند.

با این همه، آنچه این روزها در جامعه جاریست، تنها گوشه ای از کشمکش زنان با جمهوری اسلامی است که اکنون در نفی حجاب اجباری و برخورداری آنان از "حق آزادی انتخاب پوشش" تبلور یافته است. پوشیده نیست جدال واقعی زنان با دولت دینی حاکم بر ایران بسی فراتر از موضوع نفی حجاب اجباری است. جمهوری اسلامی طی ۴۴ سال گذشته، بی حقوقی مطلق زنان را در جامعه نهادینه کرده است. هیات حاکمه ایران با سرکوب عریان و وضع قوانین شرعی، نابرابری و تبعیضات جنسیتی را در جای جای شئون زندگی زنان بسط داده است. زنان ایران در عمل به شهروندان درجه دومی تبدیل شده اند که بدون اجازه همسر یا پدر حتی حق مسافرت نیز ندارند. لذا، روشن است جدال بر سر نفی حجاب اجباری، تنها یک عرصه از مبارزه پایان ناپذیر زنان ایران با جمهوری اسلامی است. جدال واقعی زنان همانا رهایی از ستم، بی حقوقی، نابرابری و تمامی تبعیضات جنسیتی تحمیل شده بر آنان از سوی رژیم جمهوری اسلامی است. تبعیضاتی که ریشه در ماهیت نظام دینی و سرمایه داری حاکم بر ایران

دارد و طبیعتاً این جدال و کشمکش تا سرنوینی جمهوری اسلامی متوقف نخواهد شد.

مبارزه و مقاومت زنان برای نفی حجاب اجباری و برخورداری از "حق آزادی انتخاب پوشش" که اکنون در جامعه جاریست، واکنش های متفاوتی را چه در درون حکومت و چه در بطن جامعه بر انگیزیده است. جمهوری اسلامی وحشت زده از مبارزات زنان که مدام در حال گسترش است، تمامی دستگاه های سرکوب و تبلیغاتی خود را به راه انداخته است تا جلوی گسترش موج فزاینده تکثیر و تکرار شجاعت زنان در جامعه را بگیرد. پرونده سازی، اتهام زنی و بکارگیری الفاظ بسیار رکیک علیه زنانی که با شعار "حجاب بی حجاب" در خیابان ها و معابر عمومی روسری از سر بر می دارند، به شیوه رایج صدا و سیما، امامان جمعه و نهادهای سرکوب رژیم تبدیل شده اند. مبارزه زنان برای رهایی از پوشش اجباری، عملاً رژیم را به استیصال و شکست کشانده است تا جاییکه تعدادی از روزنامه ها و خبرگزاری های حکومتی نظیر خبرگزاری فارس و روزنامه جمهوری اسلامی شکست رژیم را در راه اندازی گشت ارشاد به روشنی بازتاب داده اند. روزنامه "اصلاح طلب" سازندگی هم روز پنجشنبه ۲۹ تیر با نوشتن مطلبی تحت عنوان "طرح انتقادی"، بدون توجه به مطالبه زنان در برخورداری از حق آزادی انتخاب پوشش، صرفاً خواهان توقف گشت ارشاد شده است.

با گسترش مبارزات زنان، علاوه بر آنکه رژیم به سراسیمگی افتاده است، گروه های موسوم به اصلاح طلب و دیگر نحله های فکری هم که همواره در مسیر بازدارندگی مبارزات زنان علیه پوشش اجباری، تبعیض و دیگر نابرابری های تحمیل شده بر زنان حرکت می کنند، اکنون با طرح این موضوع که مبارزات جاری زنان به "دو قطبی" رویارویی بخشی از زنان (زنان معترض به پوشش اجباری) با بخش دیگری از زنان (زنان محجبه معتقد به حجاب) تبدیل شده است، عملاً در مسیر تخریب و بازدارندگی مبارزات کنونی زنان قلم فرسایی می کنند.

اینکه جدال کنونی زنان با جمهوری اسلامی به صورت "دو قطبی" در جامعه نمود پیدا کرده است، کمترین تردیدی در آن نیست. اما این دو قطبی، هرگز دو قطبی میان بخشی از "زنان" با "زنان" دیگر نیست. کشاندن این "دو قطبی" به رویارویی زنان به اصطلاح "بی حجاب" با زنان "محجبه" ترفند دیگری است که اصلاح طلبان ورشکسته حکومتی در مسیر بازدارندگی مبارزات زنان بدان متوسل شده اند. آنچه کاملاً عیان است و باید بر آن تاکید داشت و برای گسترش آن نیز تلاش کرد، وجود "دو قطبی" شکل گرفته میان زنان و جمهوری اسلامی است. واقعیت این است که در یک سوی این دو قطبی، مجموعه زنان و مردانی قرار دارند که برای برخورداری از حق آزادی انتخاب پوشش، رفع نابرابری و تمامی تبعیضات جنسیتی اعمال شده بر زنان ایران مبارزه می کنند، و در سوی دیگر



رضا شهابی و دیگر کارگران و معلمان بازداشت شده باید فوراً آزاد شوند

بیش از دو ماه از بازداشت رضا شهابی و حسن سعیدی از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران می‌گذرد. رضا شهابی در ۳۹مین روز اعتصاب غذا و حسن سعیدی در ۳۰مین روز اعتصاب غذا بسر می‌برند. رضا شهابی در اولین ملاقاتی که با خانواده خود داشت، در اعتراض به بازداشت خود و برخوردهای بازجویان، ضمن اعلام اعتصاب غذای خود گفته بود: "عمودی به زندان آمده‌ام و اقی هم از زندان بیرون خواهم رفت".

این دو مبارز جنبش کارگری همراه با کیوان مهندی و انیسا اسداللهی از فعالان چپ و تعدادی از فعالان جنبش معلمان همچون رسول بدایقی، محمد حبیبی، جعفر ابراهیمی، اسکندر لطفی، مسعود نیکخواه و شعبان محمدی در پی تلاش رژیم برای ساخت سناریوی سوخته‌ای دیگر دستگیر و منت‌هاست که حتا از دیدار خانواده محروم شده‌اند.

مزدوران جنایتکار جمهوری اسلامی با ممانعت از ملاقات آن‌ها با خانواده‌هایشان و قطع ارتباطاتشان با دنیای خارج، تلاش دارند تا با استفاده از شکنجه‌های جسمی و روحی و گرفتن اعترافات اجباری که هیچ ارزشی ندارند، این انسان‌های آزاده و مبارز را از ادامه راهشان منصرف و به افرادی منفعل تبدیل کنند. آن‌ها همچنین بر این گمان‌اند که با شکستن این افراد می‌توانند در دل دیگر انسان‌های آزاده و مبارز در جنبش کارگری و معلمان ترس ایجاد کرده و این‌گونه فریاد رسای این جنبش‌ها را که برخاسته از واقعیت‌های دردناک و غیرقابل چشم‌پوشی جامعه امروز ماست، خفه کنند. زهی خیال باطل!

مزدوران جنایتکار جمهوری اسلامی که تاکنون دو فیلم مضحک در رابطه با سناریوی خود از صداوسیما حکومتی پخش کرده‌اند، برای تایید سناریوی خود به اعترافات اجباری احتیاج دارند. مزدورانی که برای رسیدن به این هدف از هیچ شکنجه و آزاری گریزان نیستند و این تجربه بیش از ۴ دهه زندان و شکنجه در جمهوری اسلامی است.

نابود باد جمهوری شکنجه و زندان و دار. نابود باد جمهوری اسلامی.

همچنین در روزهای اخیر جمهوری اسلامی وقاحت را به جایی کشانده که چند تن از مادران قیام آبان را نیز دستگیر و یکی از آن‌ها را به شلاق محکوم کرده است. در خیابان‌ها نیز اراندل و اوباش خود را به جان زنان و دختران انداخته، با این خیال واهی که زنان و دختران قهرمان ایران را از مبارزه برای برابری کامل زن و مرد در تمامی عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و تحقق خواست‌های برحقشان باز دارد.

واقعیت اما این است که با اوج‌گیری مبارزات توده‌های مردم ایران علیه رژیم سفاک جمهوری اسلامی که بیش از هر زمان دیگر ناموس مرگ آن را به صدا درآورده است، حکومت درمانده‌ی اسلامی دیوانه‌وار دست به دستگیری مخالفان و کارگران اعتصابی زده است، به‌نحوی که امروز حتا زندان‌های شهرهای کوچک نیز پذیرای زندانیان سیاسی شده‌اند.

سازمان فدائیان (اقلیت) جمهوری اسلامی را مسئول جان و سلامت رضا شهابی، حسن سعیدی و دیگر زندانیان سیاسی می‌داند.

سازمان فدائیان (اقلیت) خواستار آزادی فوری و بی‌قید و شرط رضا شهابی، حسن سعیدی و تمامی زندانیان سیاسی در سراسر کشور است.

سازمان فدائیان (اقلیت) کارگران و زحمتکشان ایران و تمامی نیروهای آزادی‌خواه در سراسر جهان را به حمایت از زندانیان سیاسی و خانواده‌هایشان فرا می‌خواند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی- برقرار باد حکومت شورایی

نابود باد نظام سرمایه‌داری

زنده باد آزادی- زنده باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت)

۳۰ تیرماه ۱۴۰۱

کار، نان، آزادی - حکومت شورایی

جدال بزرگ زنان و شجاعتی که این روزها در جامعه تکثیر می‌شود

آن جمهوری اسلامی با همه نیروهای حزب اللهی و گشت ارشاد و دیگر نهادهای سرکوبگرش در استمرار بردگی زنان صف آرایی کرده اند. رایجه ربیعی، زن حزب اللهی چادری که با تذکر به رعایت حجاب در اتوبوس شهری بلوا به راه انداخت، با گاز گرفتن دست یک دختر به اصطلاح "بی حجاب"، آزارگری کرد و در نهایت با گرفتن فیلم و ارسال گزارش به نهادهای حکومتی موجبات بازداشت "سپیده رَشَنو" را فراهم کرد، هرگز یک زن محجبه معمولی نیست که در بررسی این ماجرا بتوان از آن بر "دو قطبی" رویارویی بخشی از "زنان" با بخش دیگری از "زنان" جامعه تاکید کرد. رایجه ربیعی و همه زنان و مردان دیگری از جنس او که به پشتوانه نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی در خیابان و معابر عمومی در مقابله با زنان به اصطلاح "بدحجاب" یا "بی حجاب" قدرت نمایی می‌کنند، عملاً بخشی از نیروی سرکوب رژیم جمهوری اسلامی هستند که منافع سیاسی و اقتصادی شان با بقا و ماندگاری این رژیم گره خورده است.

همزمان با تعمیق مبارزات زنان علیه تبعیض و ستم و نابرابری، خبر مخالفت ده ها هزار شهروند محجبه با شعار "من محجبه و مخالف گشت ارشاد هستم" نیز به طور وسیعی در شبکه های مجازی بازتاب یافته است. حرکتی که نمود دیگری از گسترش دو قطبی شدن جامعه میان زنان و جمهوری اسلامی است. مخالفت ده ها هزار نفر از زنان محجبه با "گشت ارشاد" اگرچه باعث خشم جمهوری اسلامی شده و امام جمعه کرج از آن به عنوان "قرآن بر سر نیزه کردن سپاه معاویه در جنگ صفین" یاد کرده است، اما این حرکت زنان محجبه اگر در همین سطح متوقف شود، نه تنها کمکی به مبارزات عملی زنان نخواهد کرد، بلکه در نفس خود حرکتی بازدارنده است که سطح مبارزات و مطالبات زنان را تا حد مقابله با "گشت ارشاد" تقلیل داده است. این حرکت سمبلیک زنان محجبه زمانی موثر خواهد بود که شعار آنان دست کم از محدوده صرفاً مخالفت با "گشت ارشاد" فراتر رفته و به مخالفت با حجاب اجباری، رفع تبعیضات جنسیتی علیه زنان و به رسمیت شناختن "حق آزادی انتخاب پوشش" در جامعه تبدیل شود.

همه این تحولات جاری و گسترش رویش بذر شجاعت در کشتزار مبارزاتی زنان، نشان می‌دهد که جدال زنان با جمهوری اسلامی فراتر از مطالبه "حجاب بی حجاب" است. "حجاب بی حجاب" تنها یک عرصه از این پیکار بزرگ است. رویارویی زنان با جمهوری اسلامی برای حق آزادی انتخاب پوشش و رفع تمامی نابرابری و تبعیضات جنسیتی علیه زنان یک رویارویی جدی و ریشه ای است که تحقق آن با سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی پیوند خورده است.

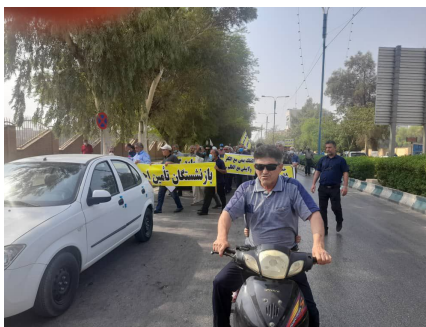
بازنشستگان و هیاهوی مجلس برای هیچ



یک جنبش مستقل و با شعارهای رادیکال وارد عرصه فعالیت‌ها و مبارزات سیاسی و اجتماعی شده است، پیوسته در حال رشد و گسترش بوده است. این جنبش که هسته اصلی آن را بازنشستگان تأمین اجتماعی تشکیل می‌دهند، در اشکال متنوع مبارزه خصوصاً تجمع و راهپیمایی خیابانی دردها شهر کشور، به یک جنبش سراسری سازمان‌یافته تبدیل شده و دولت حاکم را به چالش کشیده است. از نیمه دوم خرداد سال جاری، مبارزات بازنشستگان تأمین اجتماعی و یکشنبه‌های اعتراضی که در کارنامه درخشان این قشر زحمتکش ثبت شده، وارد فاز جدیدی شده است. اعتراض‌های خیابانی از یک روز در هفته، به چند روز در هفته و گاه به تمام‌روزهای هفته تبدیل شده است. میزان حضور و مشارکت بازنشستگان و درموردی خانواده‌های در این تجمعات و راهپیمایی‌ها افزایش یافته است. اعتراضات و تجمعات سراسری در بسیاری از شهرها از شکل تجمع صرف خارج گشته و با راهپیمایی و تظاهرات خیابانی همراه شده است. شمار شهرهایی که تجمعات خویش را با راهپیمایی خیابانی همراه و تکمیل نموده‌اند، پیوسته افزایش یافته است. شعارها علیه رئیسی، علیه کابینه، علیه دولت و مجلس و اعتراض به وعده‌های دروغ حکومتیان روزبه‌روز پررنگتر و برجسته‌تر شده است. "رئیسی دروغ‌گو حاصل وعده هات کو؟"، "دولت شیش کلاسه. همین روزا خلاصه"، "عزا عزاست امروز، روز عزاست امروز، حقوق بازنشسته زیر عباس است امروز"، "زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی، جان فدا می‌کنیم در ره آزادی وای از این زندگی وای از این بردگی"، "تا حق خود نگیریم، آرام نمی‌نشینیم" و شعارهای دیگر همگی نشان از عزم و اراده بازنشستگان به ادامه مبارزه است. بازنشستگانی که در شعارها، از خود به‌عنوان "گرسنگان امروز" یاد می‌کنند و به‌حق، "معیشت و منزلت" و یک زندگی شایسته و بهتر را حق مسلم خویش می‌دانند.

بر بستر چنین شرایط و تشدید مبارزات بازنشستگان است که یک روز وزیر کار رئیسی که بر اجرای رقم ۱۰ درصد پافشاری می‌کرد برکنار می‌شود و امروز رئیس مجلس در نامه به

اشکارا از اجرای آن خودداری و در برابر خواست بازنشستگان مقاومت کرد. اگرچه در مورد بازنشستگان لشگری و کشوری مصوبه افزایش ۱۰ درصدی را اعمال کرد، اما در مورد بازنشستگان تأمین اجتماعی که هر روز کف خیابان بودند، تا مدتی سکوت اختیار کرد. بر طبق ماده ۱۱۱ قانون تأمین اجتماعی، مستمری بازنشستگی نباید از حداقل دستمزد کارگری کمتر باشد و مطابق ماده ۹۶ این قانون نیز، مستمری بازنشستگی دستکم هر سال یکبار به‌تناسب افزایش هزینه‌ها بایستی اضافه شود. دولت تحت‌فشار مبارزات مستمر بازنشستگان مجبور شد رقم ۵۷ درصد را در مورد مستمری بازنشستگان حداقل بگیرد تأمین اجتماعی اعمال کند به‌نحوی که دریافتی آن‌ها از ۵ میلیون و ۵۸۰ هزار تومان کمتر نباشد. هرچند اعمال رقم ۵۷ درصد نیز در اجرا با نواقص زیادی همراه بوده و هر جا توانسته‌اند، از تصبیح حقوق مستمری‌بگیران حداقل بگیر خودداری نکرده‌اند، اما دولت از اعمال افزایش ۳۸ درصدی برای سایر سطوح خودداری کرد. دولت در همان حال که از اعمال رقم ۳۸ درصد خودداری کرد اما از اعمال رقم ۱۰ درصدی هم به خاطر واکنش شدید اعتراضی مستمری‌بگیران در بیم و هراس بود. خصوصاً آنکه اجرای این سیاست در مورد رانندگان شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران، اعتراض پیکارچه و اعتصاب سه‌روزه کارگران این شرکت را در پی داشت که ترافیک تمام تهران را مختل کرد و دولت و شهردار تهران را به عقب‌نشینی وادار کرده بود. بنابراین روشن



بود که دولت جمهوری اسلامی از گسترش اعتراضات خیابانی پرشور و مستمر بازنشستگان تأمین اجتماعی وحشت داشت. به‌ویژه اینکه اعمال خشونت و سرکوب بیشتر، بازداشت، احضار و ارباب بازنشستگان نیز برای برچیدن تجمعات و اعتراضات خیابانی نیز جواب نداده بود.

واقعیت این است که جنبش اعتراضی بازنشستگان که بیش از ۵ سال است به‌عنوان

روزهای بعد نیز ادامه یافت. تبریک‌ها و تشکرها به مجلس و برای قالیباف ارسال شد و خلاصه طوری وانمود شد که مشکلات بازنشستگان تأمین اجتماعی برطرف شده و دیگر نیازی به تجمع و اعتراض و راهپیمایی نیست. رئیس هیئت‌مدیره کانون بازنشستگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی خوزستان در مورد افزایش حقوق و مستمری بازنشستگان و موضوعی که به‌قول معروف هنوز "نه به دار است و نه به بار است" همان روز گفت: افزایش ۳۸ درصدی برای بازنشستگان سایر سطوح "محقق شد". پایین‌تر خواهیم دید که در مورد حقوق



بازنشستگان تأمین اجتماعی و خواست آن‌ها هنوز هیچ اتفاق خاصی نیفتاده، تغییری در وضعیت مستمری‌ها به وجود نیامده و افزایش ۳۸ درصدی نیز "محقق" نشده است. بازنشستگان تأمین اجتماعی مادام که چنین تغییری را در لیست حقوقی و دریافتی خود ندیده‌اند، مطلقاً نمی‌توانند صرفاً به نامه رئیس مجلس به رئیسی دل‌خوش کنند و ماجرا را آن‌طور که تشکیلات خانه کارگر و کانون‌های بازنشستگی وابسته به آن می‌خواهند، پایایان یافته تلقی کنند. مصوبه مجلس و نامه قالیباف به رئیسی پیرامون "مغایرت قانونی" تصمیم کابینه رئیسی پیرامون افزایش ۱۰ درصدی مستمری بازنشستگان البته گامی به‌پیش است که تنها و تنها تحت‌فشار اعتراضات مستمر خیابانی و مبارزات پرشور و گسترده و سراسری کارگران بازنشسته حاصل شده است. اما اصل ماجرا هنوز در پرده ابهام است. بسیار روشن است که مجلس یا در واقع "هیئت تطبیق مقررات مجلس"، تحت‌فشار اعتراضات گسترش‌یافته بازنشستگان تأمین اجتماعی وادار به این تصمیم و موضع‌گیری شده است وگرنه کیست که نداند موضوع افزایش ۱۰ درصدی که در لایحه بودجه ۱۴۰۱ عنوان شده بود توسط همین مجلس به تصویب رسیده است.

علی‌رغم مصوبه شورای عالی کار" برای افزایش ۵۷ درصدی حداقل دستمزد سال ۱۴۰۱ و به‌تبع آن، مستمری بازنشستگان، اما دولت

جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

بازنشستگان و هیاهوی مجلس برای هیچ



رئیس کابینه از "مغایرت قانونی" مصوبه دولت در مورد اعمال رقم ۱۰ درصدی سخن می‌گوید. گرچه نامه قالیباف به رئیسی پیرامون "مغایرت قانونی" تصمیم و مصوبه کابینه پیرامون افزایش ۱۰ درصدی مستمری بازنشستگان ثمره مبارزات مستمر بازنشستگان است و موضع‌گیری مجلس یا در واقع مصوبه "هیئت تطبیق مقررات مجلس" اقدامی از روی اجبار و در حال گامی به‌پیش محسوب می‌شود، اما این نامه یا مصوبه تا این لحظه منشأ اثر مثبتی برای افزایش مستمری‌ها نشده و صرفاً روی کاغذ مانده است. "ولی اسماعیلی" نایب‌رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس در مورد این مصوبه می‌گوید: "هیئت دولت یک هفته فرصت دارد تا این مصوبه را یا برای اصلاح به شورای عالی کار ارجاع دهد یا افزایش ۳۸ درصدی را اعمال کند." وی در ادامه می‌گوید: "دولت حق ندارد مصوبه شورای عالی کار را تغییر دهد و فقط می‌تواند آن را به‌منظور اصلاح به این شورا بازگرداند."

اول اینکه شورای عالی کار نه‌فقط جدا از دولت - حتی در معنای محدود کابینه- نیست، بلکه جزئی از آن هست. دوم، دولت برای زیر گرفتن مقررات و قوانین رسمی، منتظر اجراء و نهادهای زیردست خود نبوده است و کم نیستند مقررات رسمی روی کاغذ که در عمل نقض شده‌اند. از همه این‌ها گذشته بر طبق صحبت نایب‌رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس تمام‌کاری که انجام‌شده این است که از کابینه خواسته‌شده مصوبه اعمال افزایش ۳۸ درصدی حقوق بازنشستگان تأمین اجتماعی را برای اصلاح به شورای عالی کار ارجاع دهد همین و بس! اینکه دولت در برابر نامه قالیباف یا مصوبه "هیئت تطبیق مقررات مجلس" چه عکس‌العملی خواهد

دیوان عدالت اداری بکشاند و خلاصه برای امتناع از پذیرش خواست بازنشستگان تأمین اجتماعی به هزار و یک وسیله دیگر نیز متوسل شود. بنابراین تأکید می‌کنیم هنوز هیچ تغییری در لیست حقوقی و دریافتی مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی ایجاد نشده است. عجلتاً رئیس مجلس نامه‌ای به رئیس کابینه نوشته است همین و دیگر هیچ!

نه دولت و نه مجلس، خواست مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی مبنی بر افزایش ۳۸ درصدی حقوق را از روی رضایت نمی‌پذیرند مگر با اعمال زور و فشار از طریق ادامه مبارزه و گسترش تجمعات و اعتراضات خیابانی. تنها کف خیابان به دست میاد حقمون! این فقط یک شعار نیست. این یک واقعیت است و بازنشستگان تأمین اجتماعی باید روی نیروی مبارزاتی خود حساب کنند و برای تحقق خواست‌های خود، به اعتراضات سراسری و مبارزه متشکل ادامه دهند. تجمعات سراسری از جمله تجمع سراسری بازنشستگان تأمین اجتماعی در تاریخ ۲۵ تیر که در بیش از ۲۷ شهر برگزار شد، حاکی از گسترش کمی و رشد کیفی اعتراضات بازنشستگان تأمین اجتماعی است. این آن چیزی است که دولت و مجلس و حاکمان را به وحشت انداخته است. این آن چیزی است که می‌تواند دولت و مجلس و حاکمان را به عقب‌نشینی و پذیرش خواست بازنشستگان وادار کند.

تجمع بازنشستگان تهران در ۲۵ تیر مورد پورش و حشایانه نیروهای سرکوب و امنیتی قرار گرفت. مزدوران حکومتی با اعمال زور و خشونت و ضرب و شتم و دستگیر تعدادی از تجمع‌کنندگان، گروه نسبتاً بزرگی از بازنشستگان را که در برابر سازمان تأمین اجتماعی گردآمده بودند پراکنده ساختند. البته گروه‌های کوچک‌تری

در این روز و روزهای بعد بود. اردبیل، اراک، اصفهان، اهواز، ایلام، بابل، بهبهان، بیرجند، تبریز، خرمشهر، خرم‌آباد، دزفول، رشت، رامهرمز، زنجان، ساری، سیرجان، شوش و هفت‌تپه، شوشتر، شیراز، قزوین، کرمانشاه، کرمان، مشهد، همدان و برخی شهرهای دیگر به خیابان آمدند. این تجمعات در چندین شهر کشور از جمله در اهواز، اراک، تبریز، بهبهان، دزفول، شوش و هفت‌تپه، شوشتر، شیراز، کرمانشاه و کرمان با راهپیمایی باشکوه خیابانی همراه بود که تاکنون در این حجم و اندازه کم‌سابقه بوده است. پلاکاردها و بنرهای بزرگ یک‌شکل و حتی یک‌رنگ و شعارنوشته‌های یکسان که توسط راهپیمایان حمل می‌شد، همه نشان از سازمان‌یافتگی بالای جنبش اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی و رشد آگاهی و تشکل‌یابی در صفوف این زحمتکش‌ان است که در دل حاکمان و مجلس و کابینه ترس و وحشت ایجاد کرده است.

مصوبه مجلس و نامه قالیباف به رئیسی گرچه ثمره همین اعتراضات و استمرار مبارزات سازمان‌یافته است، اما هنوز منشأ هیچ تغییری نشده است. مشکل بازنشستگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی با وعده و نامه حل نمی‌شود. افزایش ۳۸ درصدی حقوق مستمری‌بگیران گرچه در برابر تورم وحشتناک و افزایش بی‌سابقه قیمت‌ها بسیار ناچیز است اما هرگونه تغییر و افزایش حقوق را مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی باید در لیست حقوقی و دریافتی ماهانه ببینند و لمس کنند و لا غیر. بنابراین مبارزه بازنشستگان برای تحقق عملی خواست‌ها ادامه خواهد داشت. "دو صد گفته چون نیم کردار نیست". حرف بس است عمل کنید!



از بازنشستگان با تغییر محل، توانستند تجمع دیگری برگزار کنند. در اهواز نیز مزدوران و نیروهای سرکوب حکومتی بارها صفوف بازنشستگان را مورد حمله قرار داده و پس‌از آن با پورش به منازل بازنشستگان تعدادی را بازداشت کردند. تعداد دیگری از بازنشستگان نیز به مراکز سرکوب و امنیتی احضار شده، مورد بازجویی و ارباب قرار گرفتند و شمار دیگری نیز بازداشت شدند.

علی‌رغم این وحشی‌گری‌ها و تشدید اقدامات سرکوب‌گرانه، ده‌ها شهر کشور شاهد اعتراضات باشکوه بازنشستگان تأمین اجتماعی

داشت، هنوز به‌طور دقیق و مستند مشخص نیست. اما دولت می‌تواند استدلال‌های خودش را مطرح کند و به فرض بگوید نمایندگان مجلس حق‌دارند موضوعی را در مجلس طرح و تصویب کنند، اما دولت هم از وضعیت و موقعیت خود و بر طبق برنامه‌های خود حرکت می‌کند و به آن مصوبه واقعی نهد! پیش‌از این نیز چنین مواردی رخ داده و سابقه داشته است. رئیسی (و کابینه او) البته می‌تواند مصوبه را به شورای عالی کار ارجاع دهد و توپ را به زمین دیگر بیندازد، بحث‌های طولانی و کشافی را دامن زدن موضوع را به مراجع دیگری مانند



عمیق‌تر شدن بحران اقتصادی و نیاز به یک راه حل ریشه‌ای

تاکنون نرخ بیکاری در این کشورها در مجموع نه تنها افزایشی نداشته، بلکه با رفع محدودیت‌های کرونایی حتی در تعدادی از رشته‌ها برخی از کشورها با کمبود نیروی کار نیز روبرو شدند. این‌که چرا این‌گونه است موضوع تحلیل این مقاله نیست، بلکه هدف تنها آوردن مثال‌هایی بود تا نشان داده شود وضعیت اقتصادی ایران بسیار متفاوت است، وضعیتی که برای رهایی از آن و گذار از بحران اقتصادی رکود - تورمی حاکم، اقداماتی را می‌طلبد که نه در توان بورژوازی ایران است و نه این‌که اساسا در چارچوب مناسبات بیمار سرمایه‌داری در ایران قابل حل است.

شرایط فاجعه‌بار کنونی دقیقا نتیجه همین مناسبات بیمار است. بحران اقتصادی رکود - تورمی هر روز به قله‌های بالاتری صعود می‌کند به‌نحوی که حتی مسعود نیلی مشاور اقتصادی کابینه حسن روحانی در گفتگو با هفته‌نامه "تجارت فردا" اعتراف می‌کند که "مه‌تورم از دست گریخته... اقتصاد ایران در برابر شوک‌های وارده بی‌دفاع است... چیزی به اسم سیاست پولی در ایران وجود ندارد... وضعیت اقتصادی مردم بدتر از این خواهد شد".

همان زمانی که امثال مسعود نیلی سیاست‌های اقتصادی "نئولیبرال" خود را در کابینه روحانی پیش می‌بردند و از جمله نتایج فاجعه‌بار آن را امروز در تمامی زمینه‌ها بویژه، تورم، بیکاری و فقر، اوضاع وخیم بهداشت و درمان، آموزش و پرورش می‌بینیم، بارها تاکید کرده بودیم "تا زمانی که جمهوری اسلامی بر سریر قدرت است، وضعیت اقتصادی مردم بدتر از این خواهد شد".

مقایسه هزینه‌های یک خانوار با متوسط درآمد کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه به‌خوبی نشان می‌دهد که وضعیت مردم ستم‌دیده ایران چگونه روز از پی روز بدتر شده است. فرقی هم نمی‌کند که در راس کابینه چه کسی قرار دارد و البته فرقی هم نکرد زمانی که با "برجام" تحریم‌ها برداشته شد.

ویژگی تمامی این سال‌ها گسترش فساد، افزایش ثروت گروهی بسیار معدود و گسترش فقر در میان کارگران و زحمتکشان بود، به‌نحوی که امروز دیگر حتی قشر خردبورژوازی متوسط و مرفه که زمانی پایگاه اجتماعی جریان موسوم به "اصلاح‌طلبان" را تشکیل می‌دادند، فقیر شده، تحلیل رفته و به اصطلاح نازک شده است. یک گروه اندک از ثروت‌های افسانه‌ای برخوردار شده‌اند و در عوض حداقل ۹۰ درصد جامعه زیر خط فقر قرار دارند یا با مشکلات عدیده اقتصادی روبرو هستند. در این میان چند درصد نیز هستند که مابین ابر ثروتمندان یعنی همان سرمایه‌داران و فقرا یعنی کارگران و زحمتکشان قرار دارند. قیمت مرغ که در بهمن سال ۹۹ با ۹۵ درصد

افزایش نسبت به بهمن ۹۸ از ۱۲ هزار و ۳۰۰ تومان به ۲۴ هزار تومان رسیده بود، هم اکنون تا ۶۴ هزار تومان به فروش می‌رسد و این در حالی‌ست که به گفته‌ی دامداران هزینه تولید یک کیلو گوشت مرغ برای طیورداران ۵۲ هزار تومان می‌باشد و این یعنی آن که باید منتظر گران‌تر شدن بهای مرغ بود!! بهای تخم‌مرغ نیز به ۱۰۰ هزار تومان رسیده است!!

قیمت روغن ۵ کیلویی نیمه جامد ۴۰۶ هزار تومان، ران گوساله بالای ۲۰۰ هزار تومان، پنیر لیقوان ۲۳۰ هزار تومان، کره ۱۰۰ گرمی ۲۶ هزار تومان، حبوبات بالای ۵۰ هزار تومان، پیاز ۱۲ هزار تومان، سیب زمینی تا ۱۵ هزار تومان و بالاخره برنج ایرانی به بالای ۱۰۰ هزار تومان رسیده است. در پی افزایش بهای آرد، با گران شدن نان‌های فانتزی و روی آوری مردم به نان سنتی، بسیاری از واحدهای نان فانتزی تعطیل و یا نیمه تعطیل شده‌اند.

براساس برآوردهای "روزنامه اعتماد" هزینه یک ماه ناهار معمول ایرانی برای یک خانواده ۴ نفره ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان است. توجه داشته باشیم که صحبت از یک ناهار معمولی است و هزینه صبحانه و شام بماند. آنوقت می‌ماند هزینه‌های درمانی، هزینه مسکن، هزینه پوشاک، هزینه آموزش، هزینه حمل و نقل و دیگر هزینه‌هایی که تمامی آن‌ها سر به فلک کشیده‌اند.

رئیی که چند بار "دستور" داده بود قیمت دارو افزایش نیابد، کسی به "دستور" او وقعی نگذاشت و حتی در هفته گذشته با بخش‌نامه وزارت بهداشت قیمت داروها رسماً ۲۰ تا ۳۰ درصد افزایش یافت که البته افزایش بهای داروها و سهم مردم از هزینه‌های درمان بسیار فراتر از آن رفت. آموکسی سیلین ۶ هزار تومانی به ناگه ۱۱ هزار تومان شد. بهای برخی داروها ۳۰۰ درصد افزایش یافت. اما مشکل تنها گران شدن دارو نیست. بسیاری از داروها از جمله داروهای بیماران قلبی و عروقی و پوکی استخوان نایاب شده و تنها برخی که پول دارند می‌توانند در بازار آزاد آن‌ها را با قیمت‌هایی گزاف پیدا کنند.

اما معضل درمان برای کارگران و زحمتکشان به این نیز ختم نمی‌شود. دفترچه‌های بیمه درمانی بسیاری از داروها را پوشش نمی‌دهند یا تنها ۲۰ درصد بهای دارو به دارندگان دفترچه‌های بیمه بازگردانده می‌شود. خیلی از اوقات هم به دلیل این‌که نسخه دارو بر روی کاغذ نوشته شده اساسا بیمه قبول نمی‌کند یا برخی اوقات به دلیل "قطعی سیستم" مردم مجبور می‌شوند پول دارو را از جیب ببرند. بسیاری از خدمات هم تنها با بیمه تکمیلی ارائه می‌شود مانند رادیولوژی، آن‌هم تنها بخشی از هزینه. دندانپزشکی نیز جای خود را دارد و به دلیل هزینه‌های بسیار سنگین بسیاری از مردم از خدمات دندانپزشکی محروم شده‌اند.

این را هم در نظر بگیریم که میلیون‌ها نفر (به اعتراف مقامات دولتی ۹ میلیون نفر) اساسا فاقد هرگونه دفترچه بیمه درمانی هستند.

بحران مسکن یک نمونه دیگر است. خرید یک خانه ۵۰ متری در شهر تهران به‌طور متوسط ۲ میلیارد تومان هزینه دارد. اجاره‌ها نیز سر به فلک کشیده‌اند. به گزارش خیرگزاری دولتی ایسنا، به‌طور متوسط رهن کامل یک واحد ۵۰ متری در تهران ۲۱۱ میلیون تومان و یک واحد ۷۰ متری ۲۹۶ میلیون تومان است. افزایش بهای اجاره در شهر تهران بسیاری را مجبور به خارج شدن از تهران و سکونت در شهرهای اطراف کرده است، اما همین هجوم به شهرهای اطراف باعث شد تا بهای اجاره منزل در این شهرها نیز افزایش یابد. براساس همین گزارش رهن یک آپارتمان ۸۰ متری در مهرشهر کرج ۴۵۰ میلیون، پردیس ۲۰۰ میلیون و پرند به ۱۶۰ میلیون تومان رسیده است. برای تامین هزینه‌های اجاره مردم مجبور شده‌اند ماشین یا حتی اثاثیه منزل خود را بفروشند یا خانه را با یک خانواده دیگر (عموماً از اقوام نزدیک) مشترکاً کرایه کنند.

"انصاف‌نیز" از سایت‌های نزدیک به "اصلاح‌طلبان" در این باره می‌نویسد: "کمکم آثار حذف ارز ترجیحی خود را نشان می‌دهد؛ اختلاف میان نرخ رسمی و بازار آزاد ارز حفظ شده و برای رانت‌جویان جذاب است، قیمت‌ها رشد روزافزون دارند و به دستورالعمل‌ها و تهدیدها و تاکیدیات بر «فقط ۴ قلم کالا گران می‌شود» اعتنا نمی‌کنند و از آن‌سو ساختار هزینه‌های تولید در بنگاه‌ها دگرگون شده است. «آزادسازی» افراطی قیمت کالاهایی که انحصاراً توسط دولت عرضه می‌شوند در کنار «سرکوب قیمت» تولیدات بخش خصوصی، وضعیت پیچیده‌ای برای اقتصاد ایران رقم زده که مهم‌ترین ویژگی‌اش، از مدار خارج شدن بنگاه‌های تولیدی است".

به‌عبارت دیگر و به اعتراف "انصاف‌نیز" نه تنها نرخ تورم به‌صورت بی‌سابقه‌ای افزایش یافته، بلکه رکود نیز شدیداً تعمیق یافته است. برای نمونه روح‌الامینی عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس اسلامی از کمبود ۳۵۶ قلم دارو خبر داده و گفته بود "صنعت داروسازی در شرف تعطیلی است". در خردادماه نیز سندی‌کای صنایع دارو در نامه‌ای به رئیسی از تعطیلی خطوط تولید دارو در صورت ادامه روند کنونی خبر داده بودند.

برخلاف همه‌ی وعده‌های ابراهیم رئیسی و وزیرش برای ساخت یک میلیون مسکن در سال، رکود در بخش مسکن نیز به صورت بی‌سابقه‌ای تعمیق یافته است. براساس آمارهای رسمی، در حالی که پیش از این سالانه تا ۱۰۰ هزار واحد در صفحه ۷

پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

عمیق‌تر شدن بحران اقتصادی و نیاز به یک راه حل ریشه‌ای

مسکونی در تهران ساخته می‌شود، با تشدید رکود از سال ۹۴ این تعداد رو به کاهش گذاشت به نحوی که در سال گذشته به ۴۰ هزار واحد رسید. اما در سه ماهه نخست سال جاری تنها ۶ هزار پروانه ساخت برای شهر تهران صادر گردید و این را هم اضافه کنیم که تمامی پروانه‌های ساخت لزوماً به ساخت مسکن منجر نمی‌شوند. افزایش بهای منزل به قدری است که حتا با وام بانکی نیز امکان خرید خانه به حداقل رسیده و از همین رو قدرت خرید با سقوط آزاد خود، منجر به کاهش ساخت مسکن شده است. به این نکته نیز باید توجه کرد که رکود در بخش ساختمان به نوبه‌ی خود بر رکود در برخی از صنایع تأثیر مستقیم می‌گذارد.

بر اساس آمارهای رسمی مجموع زیان انباشته دو خودرو ساز بزرگ یعنی ایران خودرو و سایپا به ۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار رسیده است!! جدا از زیان انباشته ۸۱ هزار و ۶۰۰ میلیارد تومانی بانک‌های دولتی بر اساس گفته‌ی وزیر اقتصاد در ماه گذشته، بر اساس آخرین آمار بانک مرکزی که در هفته جاری منتشر شد، میزان بدهی بانک‌های خصوصی افزایش یافته که بیانگر ناترازی حساب‌های این بانک‌ها و امکان ورشکستگی‌شان است. همان‌طور که پیش از این ورشکستگی چهار بانک وابسته به نهادهای نظامی بیش از ۵۰ هزار میلیارد تومان برای بودجه و در واقع برای مردم ایران هزینه دربرداشت، پول‌هایی که می‌توانست صرف بهبود آموزش و پرورش، بهداشت و درمان و ساخت جاده و راه‌آهن شود.

در هفته‌ی گذشته دامداران و مرغداران سراسر کشور در برابر وزارت جهاد کشاورزی دست به تجمع زدند که توسط نیروی انتظامی مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. آن‌ها شعار می‌دادند: "دامدار ورشکسته، دیگه توان نداره"، "بدبختی مرغداران، با وعده حل نمیشه". چهارآیین عضو اتحادیه تولیدکنندگان مرغ گوشتی در این رابطه گفت: "الان قیمت فروش هر کیلو مرغ زنده ۳۸ هزار تومان تعیین شده است. معنای این قیمت این است که مرغ‌دار برای هر کیلو مرغ، حداقل ۱۲ هزار تومان ضرر می‌دهد... وقتی می‌گوییم قیمت‌ها را اصلاح کنید، می‌گویید مردم تحمل فشار بیشتر را ندارند. چگونه است که دولت می‌تواند کالاهای انحصاری خود را به هر قیمتی که می‌خواهد بفروشد و قیمت دلار را ۵ تا ۶ برابر کند و نگران فشار بر مردم نیست اما از این سو می‌تواند با فشار و تهدید تولیدکننده را مجبور کند با ضرر هنگفت کالاهایش را

عرضه می‌کند".

یکی از نتایج بسیار مهم رکود برای توده‌های ستمدیده، افزایش بیکاری است. بر اساس آمارهای رسمی در سال ۹۳ حدود ۳ میلیون و ۲۰۲ هزار نفر در بخش ساختمان کار می‌کردند که از آن سال به بعد مدام از تعداد کارگران این بخش کاسته شده است. بسیاری از کارگران ساختمانی به‌طور متوسط در هفته تنها یک روز کار دارند.

برخلاف آمارهای دروغین دولتی، به‌نوشته‌ی جواد صالحی اصفهانی که در وب‌رئیس‌ی آمریکا به تدریس اقتصاد مشغول است، "طی یازده ماه گذشته که ابراهیم رئیسی بر مسند قدرت بوده، قیمت‌ها سالانه ۵۳ درصد رشد داشته که بالاترین رقم در تاریخ اخیر ایران است". او گفته است: "در این یازده ماه نه فقط شغلی در کشور ایجاد نشده، بلکه ۱۶۰ هزار شغل صنعتی و ۴۷۰ هزار شغل در بخش کشاورزی نابوده شده‌اند". کاهش آمار شاغلین بخش کشاورزی پیش از این در رسانه‌های جمهوری اسلامی نیز انعکاس یافته بود.

در طول یک‌سال اخیر نه تنها کابینه رئیسی نتوانست به هیچ‌کدام از وعده‌های‌اش جامه عمل بپوشاند، بلکه بدترین کارنامه را نسبت به کابینه‌های قبلی داشته است. بر اساس آخرین آمار بانک مرکزی که آغشته به دروغ‌ها و تحریف‌های متعدد است، نقدینگی در طول یک‌سال اخیر با ۳۷٪ درصد رشد نسبت به خرداد سال گذشته به ۵۱۰۴ هزار و ۹۶۰ میلیارد تومان رسیده است. یعنی بالاترین رشد نقدینگی بعد از سال ۸۵ که ۳۹ درصد بود.

بر اساس گزارش دیوان محاسبات از عملکرد

دو ماهه بودجه سال ۱۴۰۱ دولت ۸۸ هزار میلیارد تومان درآمد داشته و در عوض ۱۲۳ هزار میلیارد تومان هزینه کرده است. همچنین بر اساس همین گزارش، تنها ۳۷ درصد درآمدهای منظور شده در بودجه تحقق پیدا کرده است. برای مثال وصول درآمدهای نفتی در این دو ماهه کمتر از ۱۵ درصد بود، این در حالی‌ست که وزیر نفت از افزایش ۵۰ درصدی صادرات نفت و وصول ۱۰۰ درصدی درآمدهای نفتی خبر داده بود!!

همه‌ی این فاکت‌ها بر این نظر صحت می‌گذارند که تا زمانی جمهوری اسلامی بر سریر قدرت است، وضعیت اقتصاد و معیشت مردم روز به روز بدتر می‌شود. اما تنها آلترناتیو واقعی که بتواند این وضعیت را دگرگون کند، حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان است که می‌تواند با یک رشته اقدامات رادیکال، بحران و از هم گسختگی اقتصادی را به نفع توده‌های زحمتکش حل کند و شرایط معیشتی آن‌ها را بهبود بخشد. در برنامه عمل سازمان فدائیان (اقلیت) خواسته شده است که حکومت شورایی به فوریت این اقدامات رادیکال از جمله ملی کردن کلیه صنایع و موسسات بزرگ، ملی کردن بانک‌ها و دیگر موسسات مالی مانند بیمه، ملی کردن تجارت خارجی، کنترل شوراهای کارگری بر تولید و توزیع و نیز یکرشته اقدامات اجتماعی و رفاهی نظیر برقراری یک نظام تامین اجتماعی از گهواره تا گور، تامین مسکن، بهداشت، درمان و آموزش و رایگان را به مرحله اجرا بگذارد.



نتایج اجلاس

"سران دولت‌های نشست آستانه" در تهران

حتی با خودمختاری کردهای سوریه است که آن را مترادف جدائی‌طلبی تعریف کردند.

هر سه دولت اما در یک نقطه در این بیانیه اشتراک نظر داشتند و آن مخالفت با تملک انحصاری نفت سوریه توسط دولت آمریکاست که هم‌اکنون مفت و مجانی از آن بهره می‌برد. لذا تصمیم گرفتند تلاش‌های خود را هماهنگ نمایند. مخالفت خود را با تصرف و انتقال غیرقانونی نفت و درآمدهای حاصل از فروش آن‌که متعلق به سوریه است ابراز کردند.

آن‌ها درحالی‌که پوشیده و آشکار با یکدیگر در جنگ و جدال‌اند و هریک می‌کوشد سهم خود را از غنیمت سوریه افزایش دهد و اخیراً هم رژیم ترکیه آشکارا اعلام کرده است به‌زودی حمله نظامی جدیدی را برای اشغال مناطق دیگری از خاک این کشور سازمان خواهد داد، معهدا ابائی نداشتند که به یک دروغ آشکار متوسل شوند و بگویند: "بار دیگر بر این عقیده خود تصریح کردند که منازعه سوریه هیچ راحل نظامی نداشته و تنها از طریق روند سیاسی سوری - سوری با تسهیل‌گری سازمان ملل وفق قطعنامه ۲۲۵۴ شورای امنیت سازمان ملل قابل‌حل و فصل خواهد بود."

بنابراین روشن است که بحران سوریه و کشمکش قدرت‌های امپریالیستی و منطقه‌ای به همان شکلی که در متجاوز از یک دهه گذشته وجود داشته ادامه خواهد یافت و تشدید خواهد شد. این تشدید اختلافات به ویژه میان جمهوری اسلامی و ترکیه از همان دیدار مشترک خامنه‌ای با اردوغان و هیئت همراه وی آشکار بود.

خامنه‌ای در این دیدار با این تصور که گویا در اوضاع سیاسی بحرانی جهان و منطقه در موقعیت منطقه‌ای بهتری قرار گرفته و می‌تواند ترکیه را زیر فشار قرار دهد، خطاب به اردوغان در مورد تدارک نظامی ترکیه برای حمله جدید به سوریه گفت:

"این کار قطعاً هم به ضرر سوریه هم به ضرر ترکیه و هم به ضرر منطقه است و اقدام سیاسی مورد انتظار از جانب دولت سوریه را نیز محقق نخواهد کرد." "ما امنیت ترکیه و مرزهای آن را امنیت خود می‌دانیم، شما نیز امنیت سوریه را امنیت خود بدانید. مسائل سوریه را باید با مذاکرات حل کرد و ایران، ترکیه، سوریه و روسیه با گفتگو این مسئله را تمام کنند."

اما رئیس‌جمهوری ترکیه روز چهارشنبه در بازگشت از ایران در هواپیما پاسخ خامنه‌ای را داد و گفت: "تا زمانی که نگرانی‌های امنیتی ما برطرف نشود عملیات جدید در دستور کار ما خواهد بود. ما در شرق فرات، ادلب، عفرین و همه این منطقه با حساسیت تحولات را دنبال می‌کنیم."

وزیر امور خارجه ترکیه نیز روز پنجشنبه، ۳۰

تیرماه، در یک مصاحبه تلویزیونی گفت: "ما در مبارزه با تروریسم از کسی اجازه نخواهیم گرفت. این ممکن است یک‌شب، ناگهانی اتفاق بیفتد."

ترکیه اما در همان روز چهارشنبه برای قدرت‌نمایی دست به یک اقدام جنایت‌کارانه در خاک عراق زد و با حمله نظامی به یک تفریحگاه کوهستانی «برخ» در استان دهوک عراق، هشت گردشگر را کشت و ۲۳ نفر را مجروح کرد. جمهوری اسلامی ایران هم موقعیت را برای پاتک به ترکیه مناسب دید. نیروهای وابسته به خود را در عراق علیه ترکیه فعال کرد و تظاهرات گسترده‌ای در مقابل مراکز دیپلماتیک ترکیه همراه با به آتش‌کشیدن پرچم این کشور به راه افتاد. تظاهرکنندگان ضمن محکوم کردن ترکیه خواستار تحریم کالاهای ترکیه در عراق شدند. درگیری اما فراتر رفت و ابعاد نظامی به خود گرفت. مراکز به اصطلاح غیبی در عراق که پیش از این با نام و نشان‌های جعلی موشک و پهپاد به مراکز سیاسی و نظامی در خود عراق شلیک کرده بودند، این بار علیه ترکیه فعال شدند و دو پایگاه نظامی ترکیه را در مناطق اشغالی عراق هدف قرار دادند.

به گزارش خبرگزاری فارس، بامداد جمعه، یک پایگاه ترکیه، در ناحیه بامرنی توسط "سرایا اولیاء‌الدین" با دو پهپاد هدف حمله قرار گرفت. این گروه ظاهراً ناشناس تهدید کرد "اگر نیروهای ترکیه از خاک عراق خارج نشوند، حملات بعدی ما در داخل خاک ترکیه خواهد بود." یک گروه ناشناس دیگر، موسوم به «لواء احرار العراق» نیز پایگاه زلیکان را با سه راکت هدف حمله قرار داد.

روشن است که نه دولت عراق از چنین امکانی برای درگیری با ترکیه برخوردار است و نه اقلیم کردستان. درواقع این پاسخ جمهوری اسلامی به ترکیه بود. مستثنا از این‌که دولت ترکیه و جمهوری اسلامی به روی خود بی‌آورند یا نه، این نخستین درگیری نظامی میان جمهوری اسلامی و دولت ترکیه در پی تشدید اختلافات بر سر سوریه است.

اما برنده اصلی سیاسی و اقتصادی اجلاس تهران، امپریالیسم روسیه بود. در دیدار دوجانبه خامنه‌ای و پوتین، خامنه‌ای در تملق و چاپلوسی از پوتین سنگ تمام گذاشت. او را ستود. از سیاست‌های وی تمجید کرد و حمله نظامی روسیه به اوکراین را رسماً مورد تأیید قرار داد.

وی خطاب به پوتین گفت: غربی‌ها با روسیه قوی و مستقل به‌کلی مخالف هستند. در قضیه اوکراین چنانچه شما ابتکار عمل را به دست نمی‌گرفتید، طرف مقابل با ابتکار خود، موجب وقوع جنگ می‌شد. اگر راه در مقابل ناتو باز

باشد حدمرزی نمی‌شناسد و اگر جلوی آن در اوکراین گرفته نمی‌شد، مدتی بعد به بهانه کریمه، همین جنگ را به راه می‌انداختند. خامنه‌ای همچنین موضع‌گیری‌های اخیر روسیه علیه اسرائیل را که بر سر مسئله اوکراین، اختلافات میان آن‌ها تشدید شده را تحسین‌برانگیز خواند. سپس وارد بحث همکاری‌های دوجانبه شد.

خامنه‌ای همکاری‌های بلندمدت ایران و روسیه را "جداً و عمیقاً" به نفع هر دو کشور خواند و افزود: حوادث جهانی نشان‌دهنده نیاز ایران و روسیه به همکاری‌های روزافزون و متقابل است. وی گفت: همکاری‌های اقتصادی ایران و روسیه به‌ویژه در پی تحریم‌های غرب، ضروری و به نفع هر دو کشور است. تفاهم‌ها و قراردادهای متعددی بین دو کشور از جمله در بخش نفت و گاز در جریان است که باید تا انتها پیگیری و عملیاتی شوند. همکاری‌های دو کشور در این دوره باید به اوج خود برسد.

پوتین نیز ضمن تأیید صحبت‌های وی بر پیشرفت پروژه‌ها، ضرورت همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی و توسعه مانورهای سه‌جانبه با حضور چین تأکید کرد.

توافقاتی که در این اجلاس میان طرفین صورت گرفت، تا جایی که علنی شده است، یک مورد آن، تفاهم‌نامه بین شرکت ملی نفت و شرکت گازپروم روسیه به ارزش ۴۰ میلیارد دلار در میدان‌های نفت و گاز است که به گفته مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران بزرگترین سرمایه‌گذاری خارجی تاریخ صنعت نفت ایران خواهد بود. راه‌اندازی خط آهن رشت- آستارا، نیز مورد دیگری بود که موجب تکمیل خط حمل‌ونقل شمال - جنوب و ارتباط روسیه به خلیج‌فارس و اقیانوس هند خواهد شد.

اکنون آشکار است که بازار ایران میان چین و روسیه و انحصارات وابسته به این دو قدرت جهانی تقسیم‌شده است. با توافقات و موضع‌گیری‌های طرفین در اجلاس تهران، جمهوری اسلامی صریح و آشکار جایگاه خود را در بلوک‌بندی امپریالیستی چین و روسیه در مقابل بلوک امپریالیستی آمریکائی - اروپائی قطعی کرد. روشن است که این تحولات در تضاد با منافع اقتصادی و سیاسی قدرت‌های امپریالیست اروپائی و آمریکائی و متحدان منطقه‌ای آن‌هاست. این جبهه‌گیری رسمی که البته از قبل نیز شواهد آن وجود داشت، تضادهای منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی را با قدرت‌های رقیب تشدید و وارد مرحله جدیدی خواهد کرد. بیش از همه رژیم اسرائیل از این تحولات خشنود است و آن را تأییدی بر دیدگاه خود برای مقابله با جمهوری اسلامی اعلام کرد. از این‌رو بر دامنه فشار خود بر قدرت‌های غربی برای مقابله سیاسی و اقتصادی جدی‌تر با جمهوری اسلامی و حتی مقابله نظامی خواهد افزود. گرچه قدرت‌های غربی به‌رغم موضع‌گیری‌های اخیر بایدن در جده علیه جمهوری اسلامی و وعده حمایت و کمک نظامی به متحدان منطقه‌ای خود، تمایلی به

در صفحه ۹

زنده باد استقلال طبقاتی کارگران



از خواست‌ها و مبارزات کارگران فولاد اهواز حمایت کنیم

در پی مسدود کردن کارت تردد ۷ نفر از کارگران پیشرو فولاد اهواز با نام‌های کریم سیاحی، غریب حویزآوی، کاظم حیدری، مصطفی عبیات، علی الاهی‌فر، حسن جاوید حمودی و هادی وائلی، کارگران کارخانه فولاد اهواز بار دیگر در حمایت از رفقای خود دست به اعتراض زدند.

در اواخر فروردین ماه نیز از سوی مدیریت دزد و فاسد، کارت تردد ۲۰ کارگر پیشرو فولاد مسدود شده بود که با اعتراضات وسیع کارگران که از روز ۲۷ فروردین آغاز و چندین روز ادامه یافت، مدیریت مجبور به عقب‌نشینی در برابر کارگران شد.

این بار نیز کارگران فولاد از روز ۵ شنبه در حمایت از رفقای خود در برابر استانداری دست به تجمع زدند. کارگران فولاد همچنین خواستار راه‌اندازی خطوط تولید، پرداخت حق بدی آب و هوا و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل هستند. کارگران فولاد به مداخلات یکی از نمایندگان مجلس اسلامی در انتصاب‌های کارخانه نیز شدیداً اعتراض دارند. انتصاباتی که یکی از نمونه‌های فساد سیستماتیک حاکم است.

امروز شنبه اول مرداد ماه نیز کارگران فولاد در ادامه تجمع روز ۵ شنبه بار دیگر در برابر استانداری تجمع کرده و اعلام کردند تجمعات اعتراضی خود را تا رسیدن به خواست‌هایشان در روزهای آینده ادامه خواهند داد.

سازمان فدائیان (اقلیت) ضمن حمایت از تمامی خواست‌های کارگران فولاد اهواز، خواستار بازگشت به کار سریع و بدون قید و شرط کارگرانی است که کارت‌های ورودشان مسدود شده است.

سازمان فدائیان (اقلیت) معتقد است که موفقیت کارگران در گرو اتحاد و مبارزه است. زمانی که کارگران ایران در یک تن واحد وارد مبارزه شوند، بی‌شک هیچ قدرتی یارای مقابله با آن‌ها را ندارد. کارگر متحد همه چیز، کارگر متفرق هیچ چیز.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی
نابود باد نظام سرمایه‌داری
زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم
سازمان فدائیان (اقلیت)
اول مردادماه ۱۴۰۱

کار، نان، آزادی - حکومت شورایی

نتایج اجلاس "سران دولت‌های نشست آستانه" در تهران

درگیری نظامی با جمهوری اسلامی در شرایط سیاسی کنونی جهان ندارند، اما با تحولات پیش‌آمده حتی چنانچه جمهوری اسلامی بخواهد بر سر برجام به آن‌ها نیز امتیازاتی بدهد، بی‌تردید فشارهای سیاسی و اقتصادی خود را بر جمهوری اسلامی تشدید خواهند کرد.

در این میان تکلیف توده‌های مردم ایران در قبال زدبندها، توافقات و اختلافات و درگیری‌های جمهوری اسلامی چه خواهد بود؟ کارگران و زحمتکشان ایران اکنون سال‌هاست که تکلیف خود را با جمهوری اسلامی و کلیت سیاست‌های آن که علیه منافع مردم ایران است، روشن کرده‌اند. آن‌ها با مبارزات پیگیرانه و تعرضی خود به وضوح نشان داده‌اند که خواهان سرنگونی طبقه حاکم بر ایران و رژیم پاسدار سیاسی آن، جمهوری اسلامی هستند.

اما رژیم‌های ارتجاعی استبدادی در کشورهای عقب‌مانده سرمایه‌داری از نمونه جمهوری اسلامی ایران که پایگاهی در میان توده‌های مردم ندارند و بازور سرنیزه بر مردم حکومت می‌کنند، می‌کوشند با دادن امتیازات به قدرت‌های امپریالیست و اویزان شدن به دامن این یا آن قدرت جهانی، موجودیت خود را حفظ کنند و به حیات ننگین خود ادامه دهند. اما تاریخ نشان داده است که حتی قدرت‌های بزرگ جهان نیز قادر نیستند موجودیت آن‌ها را در برابر اراده توده‌های مردمی که خواهان سرنگونی رژیم‌های ارتجاعی و استبدادی‌اند، حفظ کنند.

این واقعیت دیگر بر توده‌های مردم ایران پوشیده نیست که سیاست خارجی جمهوری اسلامی از سیاست داخلی ارتجاعی آن جدا نبوده و نیست. همان‌گونه سیاست داخلی این رژیم علیه کارگران و زحمتکشان بوده و هست، در عرصه خارجی نیز سیاست‌های این رژیم تماماً علیه توده‌های مردم ایران و منافع آن‌ها بوده است. تجربه تمام دوران موجودیت جمهوری اسلامی به عموم کارگران و زحمتکشان نشان داده است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی جز جنگ، تحریم، فشارهای اقتصادی کمرشکن بر توده‌های زحمتکش، امتیاز دادن به این یا آن قدرت امپریالیست و بر باد دادن ثروت کشور و حاصل دسترنج کارگران در ماجراجویی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و حمایت از گروه‌های اسلام‌گرا، نتیجه دیگری نداشته و نخواهد داشت. تفاوتی هم نمی‌کند که با این دسته از قدرت‌های جهان متحد باشد، یا دسته دیگر. منافع قدرت‌های امپریالیست همواره خلاف منافع توده‌های مردم ایران است. خواه امپریالیسم آمریکا و اروپا باشد، یا امپریالیسم روسیه و چین. آنچه برای کارگران و زحمتکشان ایران برای نجات از سیاست‌های ارتجاعی طبقه حاکم بر ایران، همواره اولویت دارد، تشدید مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی، کسب قدرت سیاسی و حاکم شدن بر سرنوشت خود از طریق استقرار یک حکومت شورایی است.

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 980 July 2022

نتایج اجلاس "سران دولت‌های نشست آستانه" در تهران

خود را برای ادامه همکاری برای مبارزه با تروریسم در همه اشکال و مظاهر ابراز "کنند. اما این تروریست‌ها که هستند؟ روسیه و جمهوری اسلامی گروه‌های اسلام‌گرای سنی مذهب مورد حمایت ترکیه را در مناطق اشغالی تروریست می‌دانند، در حالی که از دیدگاه ترکیه شبه‌نظامیان کرد مورد حمایت آمریکا، روسیه و حتی رژیم دست‌نشانده بعثی سوریه تروریست‌اند. بنابراین توافقی در این زمینه نیز میان آن‌ها نمی‌توانست وجود داشته باشد. اما در یک مورد می‌توان توافقی لاقابل میان جمهوری اسلامی و ترکیه دید و آن مخالفت هر دو دولت در صفحه ۸

در بیانیه مشترک، طرفین "بر تعهد تزلزل‌ناپذیر خود به حاکمیت، استقلال، وحدت و تمامیت ارضی جمهوری عربی سوریه" تأکید کردند. در واقعیت اما بر کسی پوشیده نیست که تمام این ادعا کذب است. هیچ‌یک از این دولت‌ها در عمل به آنچه که در حرف گفتند، متعهد نیستند. حقیقت این است که سوریه امروز، کشوری تحت اشغال این سه کشور به اضافه آمریکا است. بخشی از آن در تصرف ترکیه، بخشی در تصرف آمریکا، و بخش بزرگتر آن در تصرف مشترک روسیه و جمهوری اسلامی است که یک رژیم دیکتاتوری دست‌نشانده نیز بر آن حاکم است. آن‌ها گویا حرف دیگری نداشتند جز اینکه "عزم



shora.tv@gmail.com

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

اطلاعیه تلویزیون دموکراسی شورایی و آلترناتیو شورایی بینندگان تلویزیون دموکراسی شورایی، رفقا و همراهان

بدین وسیله به اطلاع شما می‌رسانیم که تلویزیون دموکراسی شورایی از تاریخ جمعه نهم مهرماه ۱۴۰۰ برابر با اول اکتبر ۲۰۲۱ کانال ماهواره‌ای ۲۴ ساعته تلویزیون آلترناتیو شورایی، کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاه ست آغاز به کار خواهد کرد و تلویزیون دموکراسی شورایی به همراه تلویزیون‌های، برابری، پرتو و حزب کمونیست ایران/ کومله برنامه‌های خود را بر روی این کانال ماهواره‌ای پخش خواهد کرد. برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی را همچنین می‌توانید در سایت سازمان فداییان (اقلیت) و شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک و تلگرام و اینستاگرام و یوتیوب نیز دنبال کنید. از تاریخ نهم مهرماه برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی روزانه به مدت ۹۰ دقیقه خواهد بود و ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی بدین قرار می‌باشد روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب به وقت ایران و در روزهای سه‌شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم عصر تا هشت شب به وقت ایران برنامه‌های خود را از ماهواره یاه ست پخش می‌کند. مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست؛ بدین قرار خواهد بود:

فرکانس 12594 - پولاریزاسیون ورتیکال یا عمودی - سمبول ریت 27500 - FEC: ۳/۲

مشخصات جدید تلویزیون دموکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی

Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل: shora.tv@gmail.com

شماره تلفن: ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-minority.org>، <https://tvshora.com>

فیس‌بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی